

گفت‌و‌گو با محمد معتمدی به بهانه کنسرت برف‌خوانی

هنرمند باید

تعریف جدید ارائه کند

◀ سعید اداک

–دو هفته قبل شما در جشنواره موسیقی ازناپروک در آلمان به همراه یک گروه فلانمنکو شرکت کردید که به لحاظ اجرا و فرم کار، اجرایی بسیار متفاوت با آنچه تا پیش از این از شما شنیده بودیم محسوب می‌شد. لطفاً در مورد این اجرا توضیح بفرمایید.

بر اساس یک باور سنتی در موسیقی ایرانی فعالیت‌هایی که به تلفیق موسیقی ایرانی با موسیقی کشورهای دیگر منجر می‌شد تقریباً نامطلوب و بد پنداشته می‌شد. من نیز در این مورد بسیار بااحتیاط حرکت می‌کردم و تا امروز هم به این موضوع نپرداخته بودم. پیشنهاد حضور در فستیوال ازناپروک نیز پیش از این دو بار به من داده شده بود که دقیقاً به همین دلایل نپذیرفته بودم. بعدها که روی این مساله کمی بیشتر فکر کردم مشکلی در این قضیه پیدا نکردم. آخر سر به این نتیجه رسیدم که اگر کار به خوبی انجام شود و محتوا داشته باشد و طی این نشست میان دو موسیقی و این بده بستان، ماهیت موسیقی خودمان دستخوش تغییر نشود هیچ ایرادی نمی‌تواند داشته باشد. به همین دلیل این پیشنهاد را پذیرفتم. این برنامه تجربه اول من محسوب می‌شد که در کنار یک خواننده موسیقی فلانمنکو قرار می‌گرفتم.

ایسن خواننده موسیقی فلانمنکو از قبل روی ترجمه اشعار حافظ و خیام کار کرده بود. اما نمی‌توانستیم با ترجمه اشعار شعرای آنها آواز بخوانیم چرا که در موسیقی ایرانی ما آواز را روی اشعار کلاسیک و آوازن عروضی می‌خوانیم. هر چند روی وزن‌های آزاد تجربه‌هایی انجام شده اما به نظرم روی اشعاری که ترجمه می‌شود کار آنچنان مطلوب نمی‌شود. این بود که ما تصمیم گرفتیم روی اصل اشعار حافظ و خیام کار کنیم. من یک هفته پیش از اجرا عازم آلمان شدم و تا پیش از آن اعضای گروه را ندیده بودم. در اولین مرحله همکاری، من پیشنهاد دادم هم آنها و هم ما بخش‌هایی از موسیقی‌مان را اجرا کنیم. در نتیجه همین اجرای اولیه، من برای آن‌ها برای اجرای هر دو موسیقی در کنار یکدیگر طراحی کردم.

ابتدا فرم موسیقی خودمان را که از پیش‌درآمد شروع می‌شود و تا رنگ پیش می‌رود ترسیم کردم و بعد فرم‌های مختلف موسیقی فلانمنکو را مورد بررسی قرار دادم. من بر اساس روحانی که یک برنامه موسیقی باید داشته باشد یکسری فرم‌های آنها را که با فرم‌ها ما همخوانی دارد انتخاب کردم و به این ترتیب نقشه اصلی کار به دست آمد.

–یعنی روال این شد که فرم‌های نزدیک به هم از موسیقی ایرانی و موسیقی فلانمنکو در کنار یکدیگر اجرا شود؟

بله، روال این شد که هر کسی بیشتر موسیقی خودش را اجرا کند. البته در جاهایی هم آواز ایرانی و فلانمنکو همزمان اجرا می‌شدند که بیشتر جنبه فضاسازی صوتی داشت اما قرار بر این بود که به طور کلی هر موسیقی‌ای به طور آزاد و مجزا ارائه شود. هنرمند ارجمند آذری آقای علیم قاسم اف هم که من به او علاقه دارم و ایشان هم به بنده لطف دارند در این جشنواره حضور داشت و از آنجا که این پروژه بسیار برایش جذابیت داشت سر جلسات تمرین‌مان حاضر می‌شد. هر از گاهی نظری هم می‌داد و حتی در مواقعی نیز روی گمان فضایی که گروه کار می‌کرد پشت‌بند آواز ما، خود عالیم هم آواز می‌خواند.

ما حدود پنج روز تمرین کردیم. از موسیقی فلانمنکو خانم روزاریو به عنوان خواننده، آقای سرخیو نوازنده پرکاشن و آقای سالوادور نوازنده گیتار از اسپانیا حضور داشتند. دو نوازنده سوری‌های هم که نی و پرکاشن می‌نواختند به این ترکیب اضافه شدند تا تنها در یک بخش ما را همراهی کنند. از ایران نیز من به عنوان خواننده و آقای اسدیان نوازنده کمانچه حاضر بودیم. نام برنامه را نیز قفسیده گذاشته بودند. چنین ترکیبی از موسیقی کشورهای مختلف یک جذابیتی به وجود آورده بود که این پروژه جزء برجسته‌ترین بخش‌های فستیوال شده بود و از قبل سالن به قول معروف سولد آوت شده بود. اجرای کنسرت از آنچه در تمرینات اجرا می‌کردیم بسیار بهتر شد. حتی پس از پایان اجرا وقتی من داشتم لباس‌هایمان را عوض می‌کردیم هنوز حضار در حال تشویق بودند. به هر حال بازخورد کار خوب بود و به احتمال فراوان این پروژه در فستیوال‌های دیگری هم به اجرا در خواهد آمد.

–برخی مشترکات میان موسیقی ایران و موسیقی فلانمنکو وجود دارد. برای مثال تقسیم‌بندی‌ای که ما در موسیقی ایران، ج، ج، داریم شامل دستگاه‌ها و آوازها می‌شود.

شبیه به این موضوع در تقسیم‌بندی فرم‌های

موسیقی فلانمنکو نیز دیده می‌شود. یا در بداهه‌نوازی که در دو نوع موسیقی اصیل ایرانی و فلانمنکو به شکل‌های متفاوت‌تری وجود دارد. در این اجرا آیا روی این مشترکات فرهنگ موسیقایی تأکید شد یا اینکه راه دیگری را برای شکل گرفتن اجرای مشترک‌تان در پیش گرفتید؟

ببینید شباهت‌ها بین موسیقی ایرانی و فلانمنکو زیاد است. برخی از این شباهت‌ها ساختاری هستند و برخی شباهت بین فرم‌ها. پیش از این سفر من چند اجرا از آثار این خواننده فلانمنکو را دیدم و احساس کردم اگر ما بخواهیم روی موسیقی آنها آواز بخوانیم آواز شوشتری مناسب این کار است. در کنار آن دستگاه همایون و آواز اصفهان نیز مناسبتی با این اجرا خواهند داشت. به همین دلیل من آواز را بر پایه دستگاه همایون گذاشتم. اما بعد از یکی دو جلسه تمرین دیدیم اجرای دستگاه همایون آن هم در طول یک اجرای یک ساعت و نیمه امکان دارد این تصور را به وجود بیاورد که موسیقی ایرانی مانند موسیقی‌های مقامی و محلی تنها محدوده اندکی برای مانور و جای کار دارد. به همین دلیل تصمیم گرفتم در بخش‌هایی از برنامه از دستگاه همایون جدا شوم. در نتیجه زمانی که من رباعیات خیام را می‌خواندم کاملاً از آن فضا کنده شدم و از طریق گوشه قرچه وارد دستگاه شور شدم و به این ترتیب با روش‌های مشابه م‌دگردی را در دستور کار قرار دادم.

–قاعدتاً وقتی در چنین فضای تلفیقی آواز می‌خوانید آوازتان نیز از آن قالب کلاسیک ایرانی‌اش فاصله می‌گیرد.

نه، شکل آواز من صددرصد ایرانی بود. ما در همکاری‌مان با دو مشکل مواجه بودیم؛ یکی اینکه فضای نزدیک به موسیقی ما در موسیقی فلانمنکو مربوط به آواز شوشتری بود که ما را محدود می‌کرد. دومین مشکل هم این بود که خواننده فلانمنکو این گروه زن بود و جای صدای ما با هم فرق می‌کرد. از آنجا که خواننده‌های فلانمنکو صدایشان نوعی شباهت وجود دارد اگر این خواننده کوک صدایش را پایین می‌آورد دیگر آن اتفاق در صدایش نمی‌افتاد. به همین دلیل مجبور شدم جور او را یکشتم و کوک صدایم را بالا ببرم. هم از نظر ریتمیک و هم به لحاظ مدی که انتخاب می‌کردیم حلقه ارتباط و پیوند آواز ما در نفر در فضای شوشتری بود. البته همان‌طور که قبلاً هم گفتم تمام تلاش ما این بود که وقتی ما با موسیقی یک کشور دیگر می‌نشیمیم عقب‌نشینی نکنیم و فرم موسیقی‌مان را نیز تغییر ندهیم. درست مانند کاری که یک دیپلمات انجام می‌دهد. در اینجا هم شما نماینده موسیقی کشور خود هستید و نباید از اصول موسیقی خود عقب‌نشینی کنید یا موسیقی خود را تحت تأثیر موسیقی مقابل دستخوش تغییرات کنید.

–البته این عقب‌نشینی محسوب نمی‌شود. در اصل نوعی بده بستان تلقی خواهد شد. ببینید وقتی این کار بده بستان تلقی می‌شود که شما موسیقی خود را حفظ کنی. یکی از

اشکال‌هایی که در این گونه همکاری‌ها دیده می‌شود این است که وقتی شما صدای ساز یک نوازنده ایرانی را از دل چنین کاری برش بزنی و به تنهایی گوش کنی اصلاً صدای موسیقی ایرانی نمی‌نشوی. در واقع آنها با ساز ایرانی موسیقی اروپایی می‌نوازند. به اعتقاد من زمانی این همکاری درست خواهد بود که شما موسیقی کشور را اقتدر درست و بجا اجرا کنی که گمان شود این گوشه یا دستگاه برای همان منظور ساخته شده است. اتفاقاً موسیقی ایرانی به دلیل تنوع بسیار زیاد ملودی‌ها و فیگورهای و مدهای که دارد قابلیت بسیار زیادی برای این نوع کار دارد.

–گمان می‌کنم بد نباشد کمی هم درباره شیوه اجرای خوانندگان جوان امروز کشورمان که خود شما هم یکی از آنها هستید صحبت کنیم. به نظر شما آیا تقلید از یک استاد مانند استاد شجریان امتیاز یک خواننده محسوب می‌شود یا ضعف او؟ این ضعف یا قوت را از چه منظری مطرح می‌کنید؟ از منظر مخاطبان است یا از منظر شأن هنری یا چیز دیگری؟ –این موضوع را هم از نظر شأن هنری و هم به لحاظ فنی مطرح می‌کنم. زمانی که ما تنها یک شیوه آوازی را در سبغ خوانندگان جامعه می‌شنویم از لذت شنیدن شیوه‌های مختلف آوازی و درک رنگ‌های مختلف رنگین‌کمان آواز ایرانی محروم می‌مانیم. این در حالی است م‌ا در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ خوانندگانی با شیوه‌های مختلف آوازی مانند بنان، تاج، ادیب خوانساری، ایرج، قوامی و خیلی‌های دیگر را شاهد بودیم

سال پنجم

■ شماره ۱۰۶۰ ■ دوشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۸۹

در میان نسل جوان خوانندگان موسیقی اصیل امروز ایران نام چند خواننده بیشتر از سایرین درخشش دارد که محمد معتمدی یکی از آنها ست. سابقه همکاری او با محمدرضا لطفی، فرهاد فخرالدینی، مجید درخشانی و اخیراً علی قمصری نشان از قابلیت‌های متفاوت او دارد. همچنین انجام تجربیاتی مانند حضور در اپرای مولوی و اخیراً برگزاری کنسرتی با یک گروه فلانمنکو در جشنواره ازناپروک آلمان نشان از انجام تجربیات تازه‌تر دارد. هر چند برخی اهالی موسیقی این نقد را به محمد معتمدی وارد می‌دانند که گرفتار وادی تقلید شده اما خودش این مساله را تا حدودی رد می‌کند. معتمدی اعتقاد دارد: «شبیه خواندن قطعاً امتیازی برای یک خواننده محسوب نمی‌شود همچنین نمی‌تواند نشانه ضعف هم باشد. منتها اگر هنرمندی کارش شبیه به کار هنرمند دیگری شد دیگر دنباله‌رو محسوب می‌شود.» پیرامون برخی از موضوعاتی که در بالا به آنها اشاره شد گفت‌وگویی با محمد معتمدی در یکی از روزهای ماه رمضان در منزلش انجام داده‌ایم. او خواننده کنسرت «برف‌خوانی» به آهنگسازی علی قمصری است که در روزهای ۳۱شهریور و یکم مهر در تالار وحدت برگزار می‌شود.



رضا یزدانی

شما وقتی از مکتب آوازی تاج صحبت می‌کنید یعنی هنرمندی به نام تاج وجود داشته که بسیاری متأثر از فضای آوازی او بوده‌اند و وقتی درباره آواز تاج از آنها سوال می‌شود می‌توانند مشخصات و ویژگی‌های فنی آواز او را برایتان شرح دهند ولی هیچ یک از این افراد تاج نخواهند شد. خود آقای شجریان هم در دوره‌هایی دنباله‌رو افرادی چون ظلی و طاهرزاده و برخی خوانند گان دیگر بوده است. اما نکته اینجاست که شجریان بودن او به خاطر این دوره‌ها نیست.

که هر کدام اثر انگشت خود را در موسیقی آوازی داشتند. اما امروز وقتی رادیو را روشن می‌کنیم ابتدا تصور می‌کنیم آهنگی از استاد شجریان پخش می‌شود و باید کمی درنگ کرد تا فهمید کسی غیر از استاد شجریان مشغول اجرا است.

شبیه خواندن قطعاً امتیازی برای یک خواننده محسوب نمی‌شود همچنین نمی‌تواند نشانه ضعف هم باشد. شما سوالی را مطرح کردید که جواب را نیز در دل خودش دارد. در تعاریفی که از هنر وجود دارد تأکید می‌شود اگر اثری شبیه اثر هنری دیگری باشد یا هنرمندی کارش شبیه به کار هنرمند دیگری باشد طبیعتاً جریانی نمی‌تواند به وجود بیاورد و در واقع دنباله‌رو محسوب می‌شود.

شما وقتی از مکتب آوازی تاج صحبت می‌کنید یعنی هنرمندی به نام تاج وجود داشته که بسیاری متأثر از فضای آوازی او بوده‌اند و وقتی درباره آواز تاج از آنها سوال می‌شود می‌توانند مشخصات و ویژگی‌های فنی آواز او را برایتان شرح دهند ولی هیچ یک از این افراد تاج نخواهند شد. خود آقای شجریان هم در دوره‌هایی دنباله‌رو افرادی چون ظلی و طاهرزاده و برخی خوانندگان دیگر بوده است. اما نکته اینجاست که شجریان بسون او به خاطر این دوره‌ها نیست. از زمانی که شما موسیقی خود را حفظ کنی. یکی از پیش گرفت و هزاران نفر سر سفره او نشستند و مطلب برداشت کردند. تا قبل از آن شجریان هم یکی از هزاران نفری بود که سر سفره دیگران می‌نشست.

این موضوع زیاد بد نیست که شما دنباله‌رو کسی باشید و تا یک زمانی برای شما مطالب خوبی را به همراه دارد. منتها اگر برای همیشه در این مرحله بمانید در همان حد دنباله‌رو بودن خواهید ماند. ضمن اینکه نمی‌توانید انتظار داشته باشید در یک مقطع زمانی هزار خواننده با شیوه‌های آوازی متفاوت در جامعه داشته باشیم. این انتظار غیرممکن است. اگر الان هم همه مانند استاد شجریان آواز می‌خوانند شما نمی‌توانید خردهای بگیرید. به هر حال هنر جو با هنرمند تفاوت دارد. خیلی از کسانی که به عنوان هنرمند

می‌نشد.

می‌تواند نشانه ضعف هم باشد. شما سوالی را مطرح کردید که جواب را نیز در دل خودش دارد. در تعاریفی که از هنر وجود دارد تأکید می‌شود اگر اثری شبیه اثر هنری دیگری باشد یا هنرمندی کارش شبیه به کار هنرمند دیگری باشد طبیعتاً جریانی نمی‌تواند به وجود بیاورد و در واقع دنباله‌رو محسوب می‌شود.

این موضوع زیاد بد نیست که شما دنباله‌رو کسی باشید و تا یک زمانی برای شما مطالب خوبی را به همراه دارد. منتها اگر برای همیشه در این مرحله بمانید در همان حد دنباله‌رو بودن خواهید ماند. ضمن اینکه نمی‌تواند نشانه ضعف هم باشد. شما سوالی را مطرح کردید که جواب را نیز در دل خودش دارد. در تعاریفی که از هنر وجود دارد تأکید می‌شود اگر اثری شبیه اثر هنری دیگری باشد یا هنرمندی کارش شبیه به کار هنرمند دیگری باشد طبیعتاً جریانی نمی‌تواند به وجود بیاورد و در واقع دنباله‌رو محسوب می‌شود.

این موضوع زیاد بد نیست که شما دنباله‌رو کسی باشید و تا یک زمانی برای شما مطالب خوبی را به همراه دارد. منتها اگر برای همیشه در این مرحله بمانید در همان حد دنباله‌رو بودن خواهید ماند.

سال پنجم

■ «پریچهره» اثر پیمان خازنی با صدای سینا سرلک

موسیقی ایرانیان:
آلبوم «پریچهره» اثری از پیمان خازنی با صدای سینا سرلک به زودی توسط موسسه آوای باربد به بازار موسیقی کشور عرصه می‌شود. پیمان خازنی آهنگساز این اثر در این زمینه گفت: «این آلبوم در قالب موسیقی ملی با تنظیم پویان رضائی، کلام محسن شاهرودی و خوانندگی سینا سرلک تولید شده و دربرگیرنده تصنیف پریچهره در مایه شوشتری، تار و آواز بر اساس شعر حافظ و در مایه شوشتری، تصنیف هجران در دشتی، تکنوازی عود توسط شهرام غلامی و تصنیف بهار دل در مایه بیات اصفهان است.»
وی افزود: «آلبوم پریچهره را در چارچوب موسیقی دستگاهی و با هدف برقراری تعادل میان تکنیک و احساس آهنگسازی کرده‌ام و در این آلبوم روند ملودیک ساده اما دارای چارچوبی قوی و مستحکم است که پس از مدتی تحقیق و بررسی حرکت ملودی در تصنیف پریچهره کوشیدام با یک نظریه شخصی دست به آهنگسازی بزنم.»
در آلبوم «پریچهره» علی جعفری پویان، میثم مروستی، سامان صمیمی، سهراب برهمندی، کریم قربانی، پویان رضائی، مسلم علویور، شایان یزدی‌زاده، نیما جوزی و پیمان خازنی به نوازندگی پرداخته‌اند.
پیمان خازنی یکی از آهنگسازان جوان موسیقی ایرانی است که تاکنون آلبوم‌های «شوخ» و «چکاوک» با صدای محسن شاهرودی و دکلمه محمدصالح علاء و «فکر و فریاد» با صدای سینا سرلک از وی منتشر شده است.

■ **رضا یزدانی با آلبوم «ساعت ۲۵ شب» می‌آید**

موسیقی ایرانیان:
تازه‌ترین اثر رضا یزدانی با نام «ساعت ۲۵ شب» توسط موسسه تصویر دنیای هنر منتشر می‌شود. یزدانی در این زمینه گفت: «آلبوم «ساعت ۲۵ شب» که طی هفته‌های آینده منتشر خواهد شد، ۱۱ قطعه با نام‌های «میعادگاه»، «تاق یخ‌زده»، «کوچه ملی»، «ساعت ۲۵ شب»، «حسن تاریخ»، «کی فکر شو می‌کرد»، «پیکان»، «تروست‌رین مسافر»، «ترانه‌های خطشکن»، «حبین رنگ غصه» و «داغ» دارد که آهنگسازی آنها را خودم و کار تنظیم را بهپروز پایگان انجام داده است. ترانه‌های آلبوم نیز توسط آرمین ابراهیمی، پدیده نیشابوری، علی کمالجی‌نژاد، حمید زاهدزاده، مرتضی امیری و سیاوش میرزایی سروده شده‌اند.»

وی در ادامه افزود: «زردیک به یک سال روی آلبوم کار کرده‌ام و کارها در ژانرهای مختلف، فضاهای خاص و متفاوتی است که حامد بهداد هم در این کار به عنوان خواننده مهمان حضور دارد.»
قابل ذکر است که رضا یزدانی تاکنون سه آلبوم با نام‌های «شهر دل»، «پرنده بی‌پرنده» و «همیس» در بازار موسیقی منتشر کرده و به جز خوانندگی، تجربه هنرپیشگی نیز داشته است.

■ **گزارش کنسرت های این روزها**

با تعطیلی یک‌ماهه کنسرت‌های موسیقی به دلیل همزمانی با ماه رمضان، تعدادی از گروه‌های موسیقی سازهایشان را کوک می‌کنند تا در روزهای آینده برنامه اجرا کنند. گروه کلمکارها از ۱۸ شهریورماه کنسرت سه‌روزه خود را آغاز کرده‌اند. در این کنسرت قرار است تمام اعضای گروه کلمکارها تکنوازی کنند و مثل کنسرت‌های پیشین دو بخش فارسی و کردی دارد. در همین سالن یک هفته بعدتر از گروه کلمکارها، حمید حامی خواننده گروه موسیقی پاپ ۲۶ شهریور با بهای بلیت ۱۵ تا ۴۰ هزار تومان برنامه دارد. کیهان کلهر نیز که پیش از ماه رمضان به همراه حمیدرضا نوربخش و گروه هم‌نوازان کلهر در تهران و سپس در شهرستان‌ها مشغول بودند، به همراه «ردال ارزنجان» در روزهای ۲۱، ۲۲ و ۲۳ شهریورماه در تالار وحدت برنامه اجرا می‌کنند. گروه آوازی تهران نیز بعد از اخذ سه ملال در مسابقات جهانی گروه‌های کر قصد دارد بعد از ماه رمضان در شیراز کنسرت برگزار کند. گروه آوازی تهران به سرپرستی میلاد عمراللو قرار است در روزهای ۲۵ و ۲۶ شهریورماه در شیراز برنامه داشته باشند. ارکستر سمفونیک وبولت هم به مناسبت عید فطر از ۱۸ شهریور تا ۲۰ شهریورماه در تالار وحدت برنامه دارند. در این کنسرت قرار است آثاری از فرزاد نوشاد (به عنوان آهنگساز و رهبر ارکستر) بر روی اشعاری از مولانا و سهراب سپهری اجرا شود. مسعود یکتا نیز خواننده ارکستر سمفونیک «بولت» است.

از جمله گروه‌های بانوان نیز که طی روزهای آینده بعد از عید فطر برنامه دارند می‌توان از کنسرت «بری ملکی» به همراهی گروه خنیا در تالار وحدت یاد کرد. این کنسرت در روزهای ۲۳ و ۲۴ شهریور در ساعت ۱۷ برگزار می‌شود و بهای بلیت این کنسرت نیز ۱۵ هزار تومان است. گروه «آوای مهربانی» به سرپرستی سبیل‌ا پورگرامی نیز در روزهای ۲۴، ۲۵ و ۲۶ شهریور ماه ساعت ۲۱ در تالار وحدت برنامه دارند. به گزارش ایسنا، گروه موسیقی «سپید و سیاه» نیز برای اولین‌بار در تالار وحدت کنسرت برگزار می‌کند. این کنسرت روز سه‌شنبه مه‌رمه‌ام در ساعت ۲۱ در تالار وحدت برگزار می‌شود که اگر با استقبال خوبی روبه‌رو شود، روز دهم مه‌رمه‌ام نیز تمدید خواهد شد. منوچهر والی‌زاده نیز در این کنسرت حضور دارد و این برای اولین‌بار است که او در فضای موسیقی حضور دارد و با استفاده از یک متن در این کنسرت حضور خواهد داشت. ممکن است پیش از برگزاری این کنسرت، گروه سپید و سیاه کنسرتی را در موسسه خیریه محک و کنسرتی نیز با همراهی انجمن موسیقی گرگ‌ان برگزار کند. هم‌زمان با این‌س‌مین سالگرد آغاز هفته دفاع مقدس، میدان آزادی ۳۰ شهریور میزبان ارکسترسمفونیک تهران خواهد بود. این برنامه که به رهبری مجید انتظامی برگزار می‌شود، سمفونی مقاومت را در فضای باز میدان آزادی و زیر برج میلاد به اجرا در می‌آورد. در این برنامه که خوانندگی آن بر عهده نیما مسیحا و محمد عبدالحسینی است چهار مومنان عروج، رویش، امید و مقاومت بر اساس اشعاری از ساعد باقری توسط انتظامی اجرا می‌شود. تمرینات ارکستر سمفونیک تهران نیز از تعطیلات سالانه چندنی پیش به رهبری انتظامی آغاز شد و روزانه در تالار رودکی ادامه دارد. این برنامه ساعت ۲۱ شب روز س‌ام شهریور در میدان آزادی اجرا می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند رایگان این برنامه را ببینند. سالار غفیلی هم هفته آینده ۲۱ و ۲۲ شهریورماه در موسسه خیریه «محک» کنسرت برگزار می‌کند.

این کنسرت که به همراهی گروه موسیقی «راز و نیاز» برگزار می‌شود، شامل قطعاتی است که قرار است از ۱۷ سپتامبر تا ۱۷ اکتبر (۲۶ شهریور تا ۲۵ مهر) در یک تور کنسرت – که از شهر «مونت‌رال» کانادا آغاز می‌شود و در واشنگتن امریکا به پایان می‌رسد – اجرا شود. این کنسرت خیریه شامل دو بخش ۵۰ دقیقه‌ای است و قیمت بلیت آن نیز ۴۰ هزار تومان است و چون تمام درآمد، برای امور خیریه صرف می‌شود، هر کس بخواهد می‌تواند هزینه بیشتری را برای بلیت پرداخت کند.

کنسرت «برف‌خوانی» با آهنگسازی و سرپرستی علی قمصری ۳۱ شهریور و یکم مهر در تالار وحدت ساعت ۲۱ برگزار می‌شود.

در این کنسرت پدارم فریوسفی مایستر ارکستر کوارت زهی غربی پارسه است که در بخش نخست کنسرت به اجرای برنامه خواهد پرداخت. همچنین در بخش نخست علی قمصری به عنوان نوازنده تار، مصباح قمصری با سازهای کوبه‌ای و محمد معتمدی به‌عنوان خواننده در کنار کوارت زهی پارسه روی صحنه حضور خواهند داشت. سهراب پورناظری نیز مایستر سازهای زهی در گروه سازهای ایرانی است که در بخش دوم اجرا روی صحنه می‌رود.

اما از خارج از کشور نیز «بنیامین» کنسرت برگزار می‌کند. این کنسرت ۲۰ شهریورماه در سالن «زیبل هال» مرکز تجارت جهانی دویی برگزار می‌شود که در این اجرای یک‌روزه گروه قطعاتی از دو آلبوم منتشر شده بنیامین را به همراه قطعات جدید که به صورت تک‌آهنگ از وی منتشر شده اجرا خواهند کرد. گروه «ریان» نیز برای اولین‌بار در شهرهای مختلف امریکا برنامه دارد و اولین اجرا ۱۲ اکتبر – ۱۰ مهرماه – در لس‌آنجلس برگزار می‌شود.



سال پنجم